

جمهوری روم

---

ناردو، دان، ۱۹۴۷ - **Nardo, Don**

جمهوری روم / دان ناردو؛ ترجمه سهیل سُمی. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.  
۱۴۲ ص: مصور.

ISBN 978-964-311-528-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

*The Roman Republic*

عنوان اصلی:

کتابنامه: ص. ۱۳۱-۱۳۸.

نمایه.

۱. رم - تاریخ - جمهوری، ۳۰-۵۱۰ ق.م. - ادبیات نوجوانان. ۲. رم - تاریخ - جمهوری، ۳۰-۵۱۰ ق.م. الف. سُمی، سهیل، ۱۳۴۹ - ، مترجم. ب. عنوان.

ج ۸ ج ۲ / ۷ / ۲۳۱ DG ۹۳۷/۰۲ [ج]

۱۳۸۳

۹۶۸۸-۸۳م

کتابخانه ملی ایران

---

# جمہوری روم

دان ناردو

ترجمہ سہیل سَمی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**The Roman Republic**

*Don Nardo*

Lucent Books, 1994



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

\* \* \*

دان ناردو

جمهوری روم

ترجمه سهیل سمی

چاپ نهم

۵۰۰ نسخه

۱۴۰۲

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹ - ۵۲۸ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 528 - 9

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۱۳۰۰۰۰ تومان

## فهرست

مقدمه: قابلیت عملی	۹
۱. روستایی بر رود تیبر: رم بنا نهاده می‌شود	۱۳
۲. جمهوری روم: وحدت ایتالیا	۲۹
۳. جنگ‌های پونی: روم و کارتاژ، رومی روم یا زنگی زنگ	۴۵
۴. فتح و توسعه: دریای مدیترانه به دریاچه روم بدل می‌شود	۶۱
۵. مشکلات ابرقدرت: تلاش برای حفظ نظم	۷۷
۶. نبرد با بردگان و دزدان دریایی: قدرتمندان و رقابت بر سر قدرت	۸۹
۷. فتوحات سزار: جمهوری در آستانه خطر	۱۰۳
۸. پیروزی اکتاوین: سقوط جمهوری	۱۱۷
یادداشت‌ها	۱۳۱
منابع بیشتر برای مطالعه	۱۳۵
منابع	۱۳۷
نمایه	۱۳۹

# حوادث مهم در تاریخ جمهوری روم

۲۰۰      ۳۰۰      ۴۰۰      ۵۰۰      ۶۰۰      ۷۰۰      ۸۰۰      ۹۰۰      ۱۰۰۰      ۲۰۰۰

۲۰۰۰ ق.م

گذر قبایل بدوی اروپا از آلپ و ورودشان به ایتالیا.

۳۹۰ ق.م

گل‌های بربر به رم حمله می‌کنند و آن را می‌سوزانند.

۲۱۶ ق.م

هانیبال در نبرد کانائو رومیان را شکست می‌دهد.

۱۲۰۰ ق.م

فرار آینتاس افسانه‌ای از تروآی غرق در آتش به ایتالیا.

۳۶۷ ق.م

تصویب قانونی که به موجب آن در رم هر ساله یکی از کنسول‌ها می‌بایست از میان عوام انتخاب می‌شد.

۲۰۴ ق.م

رومیان به شمال آفریقا حمله می‌کنند.

۱۰۰۰ ق.م

قبایل لاتین از آلپ می‌گذرند و نزدیک رود تیبر سکنا می‌گزینند

۳۲۶ ق.م

آغاز جنگ‌های سامنیت.

۲۰۲ ق.م

رومیان هانیبال را شکست می‌دهند.

۷۰۰-۸۵۰ ق.م

اتروسک‌ها و یونانیان در ایتالیا مقیم می‌شوند.

۲۶۵-۲۸۰ ق.م

رمی‌ها شهرهای یونانی را شکست می‌دهند و بر ایتالیا مسلط می‌شوند.

۲۰۱ ق.م

رومیان کارتاژ را شکست می‌دهند، پایان دومین جنگ پونی.

۷۵۳ ق.م

تاریخ سنتی و در عین حال افسانه‌ای تأسیس رم.

۲۶۴ ق.م

اولین جنگ پونی میان روم و کارتاژ آغاز می‌شود.

۱۹۷ ق.م

رومیان مقدونیه را شکست می‌دهند.

۵۰۹ ق.م

رمی‌ها پادشاهشان را طرد و جمهوری را تأسیس می‌کنند.

۲۴۱ ق.م

روم، کارتاژ را شکست می‌دهد و اولین جنگ پونی پایان می‌یابد.

۱۹۵ ق.م

زنان رومی خواستار لغو قانون ممنوعیت استفاده زنان از زینت طلا و لباس‌های نازک و ظریف و ممنوعیت ارباه‌رانی توسط آن‌ها می‌شوند و این قانون لغو می‌شود.

۴۹۴ ق.م

عوام اجازه می‌یابند مجلس عوام را تأسیس کنند.

۲۲۹ ق.م

همیلکار بارکا، فرمانده کارتاژ، می‌میرد.

۱۹۰ ق.م

رومیان، سپاهیان آنتیوخوس، فرمانروای سلوکی، را شکست می‌دهند.

۴۵۰ ق.م

قوانین روم در قالب الواح دوازده گانه نوشته می‌شوند.

۲۲۱ ق.م

هانیبال فرمانده کارتاژ می‌شود.

۲۱۸ ق.م

هانیبال از آلپ می‌گذرد و وارد ایتالیا می‌شود؛ آغاز دومین جنگ پونی.

۳۹۶ ق.م

رومیان شهر وئی را در اتروریا غارت می‌کنند.

**۱۶۸ ق.م**

رومیان در سومین جنگ مقدونیه، مقدونیان را شکست می دهند.

**۷۳ ق.م**

شورش بردگان رومی به رهبری اسپارتاکوس.

**۴۸ ق.م**

سزار، پومپیوس را در نبرد فارسالوس شکست می دهد.

**۱۴۶ ق.م**

روم، مقدونیه و یونان را تحت فرمان مستقیم خود در می آورد؛ رومیان کارتاژ را نابود می کنند.

**۷۱ ق.م**

کراسوس و پومپیوس، اسپارتاکوس را شکست می دهند.

**۴۶ ق.م**

سزار دیکتاتور می شود؛ حال از جمهوری روم فقط یک نام باقی مانده.

**۱۳۳ ق.م**

تیبیریوس گراکوس پیشنهاد اصلاحات ارضی را ارائه می دهد و به دست اوباش کشته می شود.

**۶۷ ق.م**

پومپیوس دریا را از دزدان دریایی پاک می کند.

**۴۴ ق.م**

بروتوس، کاسیوس و دیگر سناتورها، سزار را ترور می کنند.

**۱۲۳ ق.م**

گایوس گراکوس پیشنهاد اصلاحات ارضی و حق شهروندی را ارائه می دهد و به دست اوباش کشته می شود.

**۶۳ ق.م**

سیسرو به عنوان کنسول انتخاب می شود؛ و توطئه کاتیلین را برای براندازی جمهوری فاش می کند.

**۴۳ ق.م**

اکتاوین، آنتونی و لپیدوس دومین تریوم ویراتوس را تشکیل می دهند.

**۱۰۷ ق.م**

گایوس ماریوس به عنوان کنسول انتخاب می شود و تجدید سازمان ارتش را آغاز می کند.

**۶۰ ق.م**

پومپیوس، کراسوس و سزار اولین تریوم ویراتوس را تشکیل می دهند.

**۴۲ ق.م**

آنتونی و اکتاوین، بروتوس و کاسیوس را در نبرد فیلیپی شکست می دهند و سپاه جمهوری را نابود می کنند.

**۸۸ ق.م**

روم به تمام افراد مذکر و بالغ در ایتالیا حق شهروندی می دهد.

**۵۹ ق.م**

سزار به عنوان کنسول انتخاب می شود.

**۳۳ ق.م**

جنگ داخلی میان نیروهای اکتاوین و آنتونی.

**۸۲ ق.م**

سولا، دیکتاتور می شود.

**۵۸-۵۰ ق.م**

سزار، گل را فتح می کند.

**۳۱ ق.م**

اکتاوین، آنتونی و کلئوپاترا را در نبرد آکتیوم شکست می دهد.

**۴۹ ق.م**

سزار از رود روبیکون می گذرد؛ آغاز جنگ داخلی.

**۲۷ ق.م**

اکتاوین به کسب عنوان امپراتور سزار آگوستوس مفتخر می شود؛ عصر امپراتوری روم آغاز می شود.

**۷۷ ق.م**

سنا برای سرکوب شورش سپاهیان سرتوریوس در اسپانیا، پومپیوس را انتخاب می کند.





### قابلیت عملی

تاریخ همواره شاهد ویژگی‌های منحصر به فرد ملل و اقوام بزرگ بوده است. هر یک از این اقوام نسبت به جهان اطرافش و ارتباطش با این جهان به نگرش‌های خاص خویش دست یافته است. برای مثال، یونانیان باستان مبتکران و خالقان بزرگی بودند. آن‌ها به ارزش فردی انسان اعتقادی عمیق داشتند و همواره حامی آزادی بیان فردی بودند؛ به زیبایی نیز عشق می‌ورزیدند، زیبایی‌ای که در جای جای طبیعت ردّ و نشانش را می‌دیدند. یونانیان خلاقیت فردی خویش را با عشقشان به زیبایی ادغام کردند و در عرصه هنر، مجسمه‌سازی، معماری

و ادبیات آثار بدیع و باشکوهی پدید آوردند. قابلیت و استعداد خاصی که در آن زمان به شالوده ماهیت ملی یونانیان شکل می‌داد، روح خلاق ایشان بود.

از دیگر سو، رومی‌ها در عرصه فرهنگ، دستاوردهای بدیع چندانی نداشتند. ادیث همیلتون<sup>۱</sup> مورخ نوشته است: «مردم روم طبع شعر قوی نداشتند. قابلیت و خلاقیت طبیعی آن‌ها سنجیتی با بیان هنری نداشت.»<sup>(۱)</sup> دلیل این امر آن بود که رومی‌ها فرد را بیش از



بخش‌هایی از تاریخ جمهوری روم، اثر سالوست (۳۴-۸۶ ق.م) هنوز باقی است.



بخش درونی کولوسئوم در روم، که در قرن اول میلادی ساخته شد و مردم در آن به تماشای مبارزه مرگبار گلا دیاتورها می‌نشستند.

روحی آزاد و رها، بخشی از چیزی عظیم‌تر و مهم‌تر، یعنی جامعه، قلمداد می‌کردند. در روم فرد، همیشه تابع نظم بود، حکومت روم نیز بر اساس قوانینی منصفانه، ثابت و محافظه‌کارانه اداره می‌شد. رومی‌ها که بیش از همه سعی داشتند شهروندانی خوب و مطیع قانون باشند، برای انضباط فردی بیش از بیان شخصی ارزش قائل بودند. از دید آن‌ها، ارزش کارایی به مراتب بیش از خلاقیت بود، به همین دلیل روم هنرمندان و نویسندگان زیادی به جهان عرضه نکردند.

با این همه، رومیان دستاوردهای فرهنگی باشکوهی داشتند، عمدتاً به این دلیل که مقلدان بی‌نظیری بودند. آن‌ها همواره ستودنی‌ترین ابعاد تمدن‌هایی را که با آن‌ها روبرو می‌شدند، اخذ و اقتباس می‌کردند. سالوست،<sup>۱</sup> مورخ رومی، در سخن از پیشینیانش می‌پذیرد که «آن‌ها هر آنچه در میان متحدان و دشمنان خویش مناسب می‌یافتند، اقتباس

۱. Sallust: گایوس سالوستیوس کریسپوس، مورخ رومی، که طرح شخصیت‌های تاریخی آثارش مهم‌تر از اطلاعات دقیق تاریخی در آن‌هاست.

می‌کردند و با شوق فراوان در وطن خویش به کار می‌گرفتند و ترجیح می‌دادند که به جای حسادت به اقوام موفق، از ایشان تقلید کنند.»<sup>(۲)</sup> رومی‌ها بیش از هر ملت دیگری، از یونانیان تقلید کردند. روم در خلال قرن‌های متمادی، ایده‌های یونانیان را در باب قانون، دولت و مذهب و نیز سبک‌های آن‌ها را در مجسمه‌سازی، معماری و ادبیات اقتباس کرد.

اما رومی‌ها مقلدانِ صرف نیز نبودند. آن‌ها به مؤثرترین نحو ممکن از ابداعات و ایده‌های ملل دیگر برای رفع نیازهای خویش استفاده می‌کردند. رشد و پیشرفت رومی‌ها اغلب تا حد زیادی براساس ایده‌ها و ابتکاراتی بود که از دیگر اقوام اقتباس می‌کردند؛ و تقریباً همیشه ارزش یک ایده از نظر آن‌ها براساس مفید بودنش تعیین می‌شد. یونانیان برای بیان عشقشان به زیبایی، فرهنگی غنی پدید آوردند، اما رومی‌ها همین کار را برای برآورده ساختن نیازهای جامعه و حکومتشان انجام دادند. به قول ادیث همپلتون:

رومی‌ها نبوغ خود را برای تأمین نیازهای عملی امپراتوری جهانیشان به کار گرفتند. روم این نیازها را به نحوی باشکوه برآورده می‌کرد. بناهایی... که در آن هشتاد هزار تن به تماشای منظره‌ای می‌نشستند، حمام‌هایی که سه هزار تن می‌توانستند همزمان در آن‌ها استحمام کنند... پل‌ها و لوله‌هایی که بر سرتاسر رودهای عریض کشیده شده بود... این است هنر راستین روم... درک و انطباق تمهیدات عملی برای رسیدن به اهدافی عملی.<sup>(۳)</sup>

اگر بتوان ماهیت ملی رومی‌ها را با یک کلمه واحد توصیف کرد، آن کلمه عمل‌گرایی است.



## روستایی بر رود تیبر: رم بنا نهاده می شود

داستان رومی ها، قومی استثنایی که بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان را پدید آوردند، از ایتالیای عهد باستان آغاز می‌شود. جغرافیا و شرایط آب و هوایی این شبه جزیرهٔ چکمه‌ای شکل، که از اروپا حدوداً هشتصد کیلومتر به سمت جنوب و دریای مدیترانه امتداد یافته، در توسعه و پیشرفت اولیهٔ روم، عوامل مؤثری بودند. در شمال، رشته کوه رفیع و



یک جنگجوی ایتالیایی در عصر برنز با کمک خانواده‌اش برای نبرد زره می‌پوشد و سلاح برمی‌گیرد.

پوشیده از برف آلپ سد و مانعی طبیعی پدید آورده که ایتالیا را از بقیهٔ اروپا جدا می‌کند. اروپای مرکزی زمستان‌های سرد و سختی دارد، اما ایتالیا در بخش اعظم سال آب و هوایی خوش و گرم دارد. چند رود، منجمله رود پو، آرنو و تیبر از ارتفاعات رشته کوه ناهموار آپنین که در مرکز ایتالیا از شمال به جنوب امتداد یافته است، به این کشور سرازیر می‌شوند. این رودها در امتداد مسیر خود به سوی غرب و دریا، از دل جلگه‌های ساحلی و دره‌های پوشیده از خاک غنی و حاصلخیز می‌گذرند. این مناطق گرم و حاصلخیز از جای جای اروپا و مدیترانه ساکنین بسیاری را جذب

کرد. در میان این افراد، گذشته از پیشینیان رومیان، گروه‌های دیگری هم بودند که بعدها بر فرهنگ و تاریخ روم تأثیری عمیق گذاردند.

### عالی‌ترین مکان برای ساختن شهر

اولین ساکنین ایتالیا از شمال به این سرزمین آمدند. در هزارهٔ دوم قبل از میلاد، قبایل بدوی در امتداد رشته کوه آلپ به سمت جنوب و درهٔ پو مهاجرت کردند و در آنجا مزارع و روستاهای کوچکی پدید آوردند. بعضی از این فرهنگ‌ها متعلق به عصر پارینه سنگی بودند و مردمان این دوران از سلاح‌ها و ابزار سنگی استفاده می‌کردند. برخی از مهاجرین بالنسبه پیشرفته‌تر هنگامی که در ایتالیا ساکن شدند به فرهنگ عصر برنز اروپا پیوستند. آن‌ها از ابزاری استفاده می‌کردند که از برنز، یعنی ترکیب مس و قلع، ساخته شده بود.

پس از مدتی، گروه‌های بعدی مهاجران اروپایی بیش‌تر به سمت جنوب رفتند و به جلگه‌های رودهای آرنو و تیبر رسیدند. کمی پیش از آغاز هزارهٔ اول قبل از میلاد، مردمان لاتین در منطقهٔ پیرامون رود تیبر ساکن شدند. آن‌ها برای این سرزمین حاصلخیز، که در میان



تیتوس لیویوس<sup>۲</sup> (۵۹ ق.م - ۱۷ میلادی)، مورخ رومی، با نام مستعار لیوی، اثر ۱۴۲ جلدی تاریخ روم را نگاشت.

رشته کوه آپنن و دریای لاتیوم قرار داشت، نام برگزیدند. یکی از قبایل لاتین بر فراز هفت‌تپهٔ کم ارتفاع برگرد یکی از پیچ‌های رود تیبر، حدوداً ۲۵ کیلومتر دور از دریا، جوامع کوچکی پدید آورد. این منطقه مزایای طبیعی متعددی داشت. اول این که منطقهٔ مزبور در احاطهٔ جلگه‌هایی بسیار حاصلخیز و بارور قرار داشت؛ به علاوه، در مرکز راه‌های تجاری‌ای قرار داشت که در امتداد رود تیبر از غرب به شرق و در امتداد مرز غربی رشته کوه آپنن از شمال به جنوب کشیده شده بودند. لیوی،<sup>۱</sup> مورخ رومی

1. Livy

2. Titus Livius

### خاستگاه نژاد برتر

در قرن دوم قبل از میلاد، بسیاری از نویسندگان و شاعران رومی سعی کردند بخش‌هایی از تاریخ تأسیس شهر رم و منجمله آیناس، شاهزاده تروآ یا فرزندانش، رموس و رومولوس، را توصیف کنند. از میان این آثار، معروف‌ترین و برجسته‌ترینشان شعر حماسی بلندی است به نام «انئید»، که میان سال‌های سی و بیست قبل از میلاد به قلم ویرژیل نگاشته شده است. ویرژیل در آغاز اثر، گریز آیناس را از تروآ توصیف می‌کند. هنگامی که الهه ونوس در باب زنده ماندن و رسیدن آیناس به ایتالیا ابراز نگرانی می‌کند، یوپیتتر، خدای خدایان، برای آرام ساختن دل او، پرده از رُخ آینده بر می‌کشد:

«چون در باب آیناس خوره اضطراب بر جانم چنگ انداخته،

برایت ورق خواهم زد، صفحات پنهان تقدیر را و از آینده خواهم گفت.

او برای تو کارزاری عظیم ترتیب خواهد داد

و تمام ایتالیا و مردمان پرنخوتش را فتح خواهد کرد.

او بر مردمان خویش قوانینی وضع خواهد کرد

و از برای ایشان شهرهایی محصور خواهد ساخت؛ در تابستان سوم

در لاتیموم به فرمانروایی خواهد نشست، و در سومین زمستان

در صحنه کارزار روتولیان [قبیله‌ای ایتالیایی] را مطیع خواهد ساخت.

اما پسرش، آسکانیوس...

اوست که به قدرت تو ثبات خواهد بخشید —

برای سی سال، ماه از پی ماه؛

پس آن‌گاه پایتختش را از لاوینیوم

به آلبالونگا خواهد برد و آن‌جا را سخت مستحکم خواهد ساخت،

سلاله‌ای از شاهان چندان حکم خواهد راند تا ایلیا، کاهنه‌ای از سلالة سلطنتی،

دوقلویی از پشت مارس به دنیا آورد؛

و از این دو، یکی به نام رومولوس، پرورده یک ماده گریگ،

و شادمانه در پوست زرد سوخته او، حکم خواهد راند

و شهری برای مارس خواهد ساخت، شهری جدید،

و از پی نام خویش آنان را رومی خواهد نامید.

بزرگی ایشان و هنگام سلطنتش را پایانی نیست، به ایشان

سیادتی بی پایان ارزانی خواهم کرد؛ آری، حتی یونو...

حتی او نیز به راه خواهد آمد و با من

درگرامیداشت رومیان، نژاد برتر،

پوشندگان ردای رومی همونوا خواهد شد. چنین است حکم تقدیر.»

می‌نویسد، محلی که رم بر آن ساخته شد، برای تأسیس یک شهر مکانی کاملاً استراتژیک بود:

بی‌دلیل نبود که خدایان و انسان این نقطه را برای بنا کردن شهر برگزیدند، شهری با تپه‌های فرحبخش، و رودی عظیم و وسیع که از طریق آن تولیدات کشورهای غیر ساحلی جابجا می‌شد و دستیابی به ذخایر درون مرزی نیز ممکن می‌گشت؛ دریایی که برای تأمین نیازهای ضروری و مفید به اندازه کافی نزدیک و برای مصون بودن از خطر ناوگان‌های جنگی نیروهای اجنبی به اندازه کافی دور بود؛ بخشی در مرکز ایتالیا، و در یک کلام، موقعیتی جغرافیایی که به واسطه موقعیت منحصر به فرد طبیعی‌اش مکانی مناسب برای رشد و توسعه یک شهر بود.<sup>(۴)</sup>

اولین و نخستین ساکنین این منطقه بر سه تپه مهم از هفت تپه رم مستقر شدند: تپه‌های کاپیتولینوس، آونتینوس و پالاتینوس. تاریخ و شرایط تأسیس این شهر روشن نیست. بعدها رومیان تاریخ ۷۵۳ قبل از میلاد را به عنوان تاریخ تأسیس این شهر پذیرفتند. اما رومیان تا پیش از قرن سوم قبل از میلاد، وقایع تاریخی‌شان را ثبت نمی‌کردند. در آن زمان دیگر حوادث سال‌های آغازین روم فراموش و به افسانه آمیخته شده بود. از این رو، بعدها نویسندگان رومی و یونانی‌ای که سعی کردند تکه پاره‌های تاریخ آغازین روم را یکدست و منسجم سازند، اغلب شرح‌های متفاوت و ضد و نقیضی ارائه دادند. پلوتارک، مورخ یونانی، می‌نویسد: «در این مورد که وجه تسمیه رم، نامی تا این حد باشکوه و زبانزد خاص و عام، کیست یا چیست، مؤلفان اتفاق نظر ندارند.»<sup>(۵)</sup>

سرانجام، یک باور واحد نسبت به تأسیس شهر قبول عام یافت. در این افسانه آمده که رومیان از سلاله آینئاس<sup>۱</sup> هستند، شاهزاده‌ای از شهر باستانی تروا بر ساحل آسیای صغیر، که حال ترکیه نام دارد. براساس این داستان، هنگامی که یونانیان حدوداً در سال ۱۲۰۰ قبل از میلاد شهر تروا را چپاول کردند، آینئاس گریخت و از دریای مدیترانه به سوی ساحل غربی ایتالیا بادبان برافراشت. ظاهراً او در آن‌جا نزدیک کوه آلبان،<sup>۲</sup> تپه‌ای با شیب تند که تقریباً در ۲۵ کیلومتری جنوب تپه واقع است، منطقه‌ای مسکونی تأسیس کرد. دو تن از نسل آینئاس، رومولوس<sup>۳</sup> و رموس<sup>۴</sup> بودند. این دو طفل به امر پادشاهی بیدادگر به حال خود رها شدند تا بمیرند. لیوی می‌گوید به زودی:

1. Aeneas

2. Alban Mount

3. Romulus

4. Remus





بر اساس افسانه، رومولوس و رموس، برادرش، پایه‌گذاران روم، بعد از این که در نوزادی به حال خود رها شدند، با شیر یک گرگ زنده ماندند.

ماده‌گرگی تشنه از تپه‌های اطراف، که صدای کودکان توجهش را جلب کرده بود، به سمت آنها آمد و از آن دو مراقبت کرد و با آنان چنان مهربان بود که چوپان پادشاه یک بار حیوان را در حال لیسیدن دو کودک دید... او بچه‌ها را به کلبه‌اش برد و به همسرش سپرد تا او آن دو را بزرگ کند.<sup>(۶)</sup>

وقتی رومولوس و رموس بزرگ شدند، تصمیم گرفتند در ساحل تیبر شهری تأسیس کنند، اما بر سر مکان دقیق احداث شهر با یکدیگر اختلاف نظر پیدا کردند. رومولوس بر فراز تپه پالاتینوس دیواری بنا کرد و هنگامی که برادرش از آن دیوار بالا رفت، خشمگین شد. لیوی می‌نویسد، رموس «بی‌درنگ به دست رومولوس خشمگین کشته شد؛ رومولوس سپس فریاد برآورد که: «این است سرنوشت هر آن کس که از این پس بر سر دیوارهای من جست زَند.» به این ترتیب، رومولوس فرمانروای مطلق شد و شهر نیز بر اساس نام او، بنیانگذار شهر، [رم] نامیده شد.»<sup>(۷)</sup>

داستان تأسیس شهر رم به دست رومولوس تا حد زیادی داستانی و غیرواقعی است. باستان‌شناسان مدرن، دانشمندانی که تمدن‌های گذشته را از زیر خاک در می‌آورند و مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهند، مدارکی یافته‌اند که ثابت می‌کند مناطق مسکونی اقوام لاتین بر فراز تپه‌های رم پیش از سال ۹۵۰ قبل از میلاد نیز رشد و توسعه یافته بوده‌اند. حدوداً

۷۵۰ سال قبل از میلاد، این جوامع مجزا با یکدیگر ادغام شدند و یک شهر واحد پدید آوردند. ممکن است که خاطره گنگ این حادثه مهم بعدها به باور دیرینه‌ای انجامیده که بنا بر آن تاریخ تأسیس شهر روم سال ۷۵۳ قبل از میلاد است.

## اهمیت خانواده

لاتینی‌هایی که اول بار در تپه‌های رم سکنا گزیدند، فرهنگی بالنسبه بدوی داشتند. آن‌ها در کلبه‌هایی ساده با دیوارهایی از گل و لای خشک و سقف‌های گالی‌پوش یا پوشیده از شاخه‌ها و ساقه‌های درختان زندگی می‌کردند. آن‌ها خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، هیچ اثر هنری‌ای تولید نمی‌کردند و دولت مرکزی قدرتمندی نیز نداشتند. از همان آغاز مهم‌ترین واحد اجتماعی رومیان، خانواده بود و در دل این جوامع کوچک، خانواده‌هایی که بیش‌ترین تعداد اعضای مذکر را داشتند، قوی‌ترین و مورد احترام‌ترین خانواده‌ها بودند. محقق‌ی به نام آنتونی مارکز در این خصوص می‌گوید:

رهبری هر خانواده به دست پدر خانواده بود و مایملک او شامل همسر و فرزندان و تمامی دارایی‌ها و بردگان بود. وقتی پدر خانواده می‌مرد، هر یک از پسرانش ریاست یک خانواده جدید را بر عهده می‌گرفت و نام او مایه پيوند این خانواده جدید با خانواده قدیمی بود. زنجیره حاصل از این خانواده‌های مرتبط یک طایفه را تشکیل می‌داد که ژنس<sup>۱</sup> نام داشت.<sup>(۸)</sup>

نام طوایف رومی معمولاً با پسوند یوس (ius) پایان می‌یافت، برای مثال، فابیوس، کورنلیوس و یولیوس. بعدها، هنگامی که روم به شهری بزرگ و ثروتمند تبدیل شد، بسیاری از این خانواده‌ها که مفتخر به داشتن این نام‌های کهن بودند، بسیار مرفه و معتبر شدند.

از آن‌جا که رشته زندگی تمام اعضای خانواده به دست پدران خانواده‌ها بود، جامعه روم کاملاً تحت استیلای مردان بالغ بود. زنان و کودکان چون اکثر جوامع باستانی، هیچ حقی نداشتند و اجازه نداشتند برای خودشان تصمیم مهمی بگیرند. با این همه، در میان خانواده‌های رومی، به خصوص میان شوهران و همسرانشان عشق و صمیمیت متقابل بسیار وجود داشت. هزاران کتیبه سنگ قبر که از رومیان بعدی برجا مانده، گواه صحت این ادعایند. یکی از این مردان سوگوار بر روی سنگ قبر همسرش نوشته، «غریبه»<sup>۹</sup>

این جاگور نازیبای زنی زیباست. والدینش او را کلودیا نامیدند. او با تمام وجود به شوهرش

۱. gens به معنای طایفه، قوم، ایل و جمع آن gentis است.

عشق می‌ورزید... کلامش شادمانه و رفتارش شایسته [صحیح و خوشایند] بود. او خانه را اداره می‌کرد؛ پشم می‌ریسید. او همسر من بود. بدرود.<sup>(۹)</sup>

بیوه مردان دیگر پیام‌هایی از این دست برجا گذارده‌اند:

این‌جا آمینون، همسر مارکوس، آرمیده؛ بهترین و زیباترین، وظیفه‌شناس، متواضع، محتاط، پاکدامن و خانه‌نشین.<sup>(۱۰)</sup>

به اورلیا ورسلا، همسر شیرینم، که کم و بیش هفده سال عمر کرد. دیگر میل و آرزویی در من نیست. آتیموس، شوهرش.<sup>(۱۱)</sup>

## پیمان با ارواح

همان‌گونه که ساختار خانواده سنتی و مستحکم بر زندگی رومیان اولیه تأثیری چشمگیر داشت، مذهب نیز عنصری بسیار مهم محسوب می‌شد. رومیان نیز چون دیگر قبایل لاتین، ارواحی را که به گمان خویش در هر چیزی، منجمله اشیای بی‌جان، چون سنگ و درخت وجود داشتند، می‌پرستیدند. این نظام فکری را زنده‌انگاری می‌نامند. در آغاز رومیان این ارواح را که نومینا نام داشتند، به مثابه نیروها و قدرت‌های طبیعی در نظر می‌گرفتند، نه چون خدایان یا رب‌النوع‌ها. اما اندکی بعد، ارواحی که پیش‌تر به اشیاء و پدیده‌های طبیعی نسبت داده می‌شدند، شخصیت‌هایی انسان‌وار یافتند. سپس به رب‌النوع‌ها و الهه‌هایی چون وستا، روح و پاسدار آتش خانه و کاشانه، و مارس، ناظر و مراقب مزارع کشاورزان، تبدیل شدند. در قرن‌های آغازین تاریخ روم هیچ مذهب ملی و معبدی که مردم در آن به پرستش خدایان بپردازند، وجود نداشت. مناسک مذهبی شامل دعا‌های ساده و قربانی کردن گاه‌گاه حیوانات بود که در خانه و توسط پدر، در نقش کاهن، انجام می‌شد. مورخی به نام آرتور بوآک می‌گوید، رومیان معتقد بودند که رابطه‌شان با خدایان خود:

ماهیت نوعی قرارداد را داشت. اگر انسان در پرستش خویش تمام آیین‌ها را به شکل صحیح به جا می‌آورد، رب‌النوع نیز متعهد به رفتاری مناسب می‌شد... اگر انسان در وظیفه‌اش کوتاهی می‌کرد، رب‌النوع او را مجازات می‌کرد... بنابراین، مذهب رومیان اساساً از اجرای آیین‌ها تشکیل می‌شد و عامل اصلی در این آیین‌ها نیز دقت در اجرای آن‌ها بود.<sup>(۱۲)</sup>

رومیان در تلاش برای اجرای صحیح این آیین‌ها، دعاها و مراسم رایج و سنتی‌ای پدید آوردند. یکی از مهم‌ترین مراسم و آیین‌ها، نیایش و دعا به درگاه مارس بود، دعایی که بخشی از آن چنین بود:



رومیان سرانجام مارس رب النوع را با مفهوم جنگ پیوند زدند و او را کین خواه نامیدند.

مارس پدر، به درگاه تو دعا و استغاثه می‌کنم که با من از سر لطف و نیکی درآیی، با خانه و خانواده من، که برای حفظشان امر کردم تا به درگاهت خوک و گوسفند و گاو نر قربانی کنند... باشد تا... از ما دورسازی... بیماری‌های مرئی و نامرئی و... تباهی و بداقبالی و آب و هوای بد را؛ باشد تا غله و تاک‌ها و بیشه‌های ما را بزرگ و بارور سازی. (۱۳)

## نفوذ اتروسک‌ها

مذهب رومیان به همراه دیگر ابعاد زندگی آنان بین سال‌های ۸۵۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد، دستخوش تغییرات عمیقی

شد. در طول این سال‌ها، امواج جدید ساکنین آب و هوای خوش و خاک حاصلخیز ایتالیا را کشف کردند و نزدیک منطقه لاتیم شهرهای جدیدی ساختند. یک گروه از این ساکنین جدید، اتروسک‌ها بودند، که به دلیل فرهنگ پیشروترشان نسبت به رومیان، بر توسعه اولیه روم تأثیری شگرف گذاشتند. مأوای آغازین اتروسک‌ها هنوز ناشناخته است، اما بنا بر بعضی شواهد، آن‌ها از مردمان آسیای صغیر بوده‌اند. آن‌ها در جنوب رود آرنو و شمال لاتیم سکنا گزیدند، منطقه‌ای که در آن هنگام اتوریا<sup>۱</sup> نامیده می‌شد و حال توسکانی<sup>۲</sup> نام دارد. این دو نام برگرفته از نام قبایل ساکن در این مناطقند. اتروسک‌ها صنعتگرانی ماهر بودند که در هنرهای چون نقاشی و مجسمه‌سازی دستی داشتند و سفالگری و جواهرسازی می‌دانستند. آن‌ها بخشی از زندگی خود را چون رومیان با کشاورزی می‌گذرانند، اما تجارت نیز می‌دانستند. تاجران اتروسک از راه خشکی به شمال

1. Etruria

2. Tuscany

### اتروسک‌های مرموز و هنرمند

اتروسک‌ها که بر تاریخ آغازین روم تأثیری به‌سزا داشتند، مردمانی جذاب بودند، تا حدودی به این دلیل که خاستگاه نامعلومی دارند. همان‌گونه که چستر جی. استار مورخ در رومیان باستان شرح داده: «به‌رغم وجود شواهد باستان‌شناختی بسیار، میان محققان امروزی در مورد اتروسک‌ها بحث‌های داغی در جریان است... بعضی از نویسندگان دوران باستان می‌پنداشتند که خاستگاه اتروسک‌ها، ایتالیایی است، درست چون باستان‌شناسان امروزی. از دیگر سو، هرودوت، مورخ یونانی، معتقد است اتروسک‌ها از [دریای پیرامون شرق یونان] را در دوره قحطی ترک کردند؛ و اکثر محققان امروزی بر این گمانند که گروه‌های اتروسک راهی غرب شدند، شاید از آسیای صغیر، و حدوداً در سال هشتصد قبل از میلاد، در اتروریا سکنا گزیدند. گرچه ما می‌توانیم کتیبه‌های اتروسکی را بخوانیم، از آن‌ها جز نام‌ها و عناوین و ارقام چیزی تشخیص نمی‌دهیم؛ زبان اتروسکی کاملاً متفاوت از زبان‌های لاتین و ایتالیایی است و هیچ‌جا مشابهی ندارد.»

و درهٔ پو و حتی فراسوی رشته کوه آلپ سفر می‌کردند؛ از راه دریا نیز با ساکنین جزایر کرس<sup>۱</sup> و ساردنی<sup>۲</sup> و نیز با اقوام مستقر در سواحل مدیترانه داد و ستد می‌کردند. اتروسک‌ها از بسیاری جهات بر رومی‌ها تأثیر گذاشتند. رومیان از راه تجارت با اتروریا، کالاهای جدید بسیاری به دست آوردند، منجمه پارچه‌های ظریف و ظروف سفالی، که سطح زندگی آنان را بهبود بخشید. اتروسک‌ها مردگان‌شان را در مقبره‌های سنگی باشکوهی به خاک می‌سپردند؛ آن‌ها همچنین ساختمان‌ها و پل‌های سنگی و مجراهای فاضلاب بسیاری ساختند. رومیان از اتروسک‌ها سنگ‌تراشی و دیگر فنون ساخت و ساز، منجمه طاق قوسی را، که سرانجام به شاخص و نماد معماری رومی بدل شد، آموختند. رومیان همچنین بعضی از خدایان اتروسک‌ها را نیز پذیرفتند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها یوپیتر، رب‌النوع آسمان؛ یونو، الههٔ حامی زنان؛ و مینروا، الههٔ حامی صنعتگران، بودند. علاوه بر این‌ها، اتروسک‌ها ایده‌های سیاسی را نیز به رومیان معرفی کردند. شهرهای اتروریا تحت فرمان پادشاهان مجزایی بود که بر مردمان خویش نفوذی مطلق و بی‌چون و چرا داشتند. رومیان این ایده را اخذ کردند و نخستین پادشاه رومی حدوداً در سال ۷۵۰ قبل از میلاد به قدرت رسید.



این هنگامی بود که روستاهای آغازین روم یکپارچه شده و شهری واحد پدید آورده بودند. اگر نام اولین پادشاه همان گونه که در افسانه‌ها آمده، رومولوس باشد، او نه مؤسس شهر، که قدرتمندترین پدر بومی خانواده در روزگار خویش بوده است. جای او را پادشاه دیگری به نام نوما پومپیلیوس<sup>۱</sup> گرفت و او بر اساس افسانه‌های بعدی، ارزش‌های سنتی و محافظه‌کارانه رومی چون جدیت، ساده‌زیستی و ایثار مذهبی را به مورد اجرا گذارد. پلوتارک می‌نویسد: «او هرگونه تجمل و لطافت را از زندگی و خانه‌اش حذف کرد، و... در خفا خود را نه وقف سرگرمی و تفریح... بلکه وقف پرستش و ستایش خدایان جاودان نمود.»<sup>(۱۴)</sup> بعد از نوما، تولوس هوستیلیوس<sup>۲</sup> و آنکوس

اتروسک‌ها مصنوعات فلزی و زیبای بسیاری تولید کردند، منجمه این مجسمه کوچک برنزی از دختری جوان.

مارتیوس<sup>۳</sup> به عنوان پادشاهان لاتینی روم بر تخت نشستند.

حدوداً در قرن هفتم قبل از میلاد، اتروسک‌ها، با تهدید یا نیروی نظامی، کنترل رم را به دست گرفتند. سه پادشاه پیایی اتروسک - تارکینیوس پریسکوس، سرویوس تولیوس و تارکینیوس سوپربوس - بر شهر حکم راندند. اما این تصرف



مجسمه نیم تنه یونو، همسر و خواهر یوپیتر، و الهه زنان و تولد.

1. Numa Pompilius

2. Tullus Hostilius

3. Ancus Martius

کامل نبود. رومیان به‌رغم اطاعت از اربابان اتروسک، سرسختانه عادات سنتی و زبان لاتینی خود را حفظ کردند.

### قومی سختکوش

اتروسک‌ها هر خاستگاهی که داشته‌اند، در هر حال مردمانی سختکوش و هنرمند بودند که تحت تأثیر یونانیان قرار داشتند. بعضی از سالم‌ترین آثار هنری اتروسک‌ها در قالب مقبره بر جای مانده. به قول ویل دورانت در قیصر و مسیح:

«توانگران در تابوتی لعابی یا سنگی دفن می‌شدند و رویه تابوت به نقش انسانی خوابیده، اندکی شبیه به خود مرده و اندکی شبیه به چهره خندان آپولون یونان باستان، مصور بود... گاه مردگان را می‌سوزاندند و خاکسترشان را در ظروف خاص می‌ریختند و روی ظروف چهره خود مرده را نقش می‌کردند. ای بسا که خاکستردان یا گور به شکل خانه بود، گاه گورخانه‌ای که درون صخره‌ای ساخته می‌شد چند اتاق داشت و در آن‌ها همه وسایل زندگی پس از مرگ، مانند اثاثه و افزار و گلدان و جامه و سلاح و آینه و لوازم آرایش و جواهر، آماده بود. در یکی از گورخانه‌های کاپره، اسکلت جنگجویی روی تخت‌خوابی مفرغی و دست‌نخورده، و کنار آن سلاح‌ها و عرابه‌های او، پیدا شد؛ در اتاق پشت این گورخانه زیورآلات و جواهر زنی، شاید همسر خود او، جمع آمده بود. خاکستر اندام دوست‌داشتنی آن زن نیز در جامه عروسی اش نهاده شده بود.»



زوج‌های اتروسک اغلب در تابوت‌هایی به گور سپرده می‌شدند که با اشکالی مشابه خودشان تزئین می‌شدند. این تابوت از سفال و لعاب ساخته شده.

## یونان بزرگ‌تر

کمی پس از سکنای اتروسک‌ها در ایتالیا، یونانیان از پی آمدند. حدوداً در سال ۷۵۰ قبل از میلاد، شهرهای قدرتمند یونان چون آتن، کورنت و میلئوس در اطراف مدیترانه مستعمراتی پدید آوردند. یونانیان در امتداد سواحل سیسیل، جزیره بزرگی که در پای نقشه چکمه‌مانند ایتالیا واقع است، شهرهایی ساختند که مرفه‌ترین و پررونق‌ترینشان سیراکوس<sup>۱</sup> بود؛ همچنین در جنوب و غرب ایتالیا نیز مستقر شدند. بعد از یک قرن گسترش مستعمرات، شهرهای یونانی در جنوب ایتالیا چنان زیاد شدند که لاتینی‌ها آن منطقه را Magna Graecia (یونان بزرگ‌تر) نامیدند.

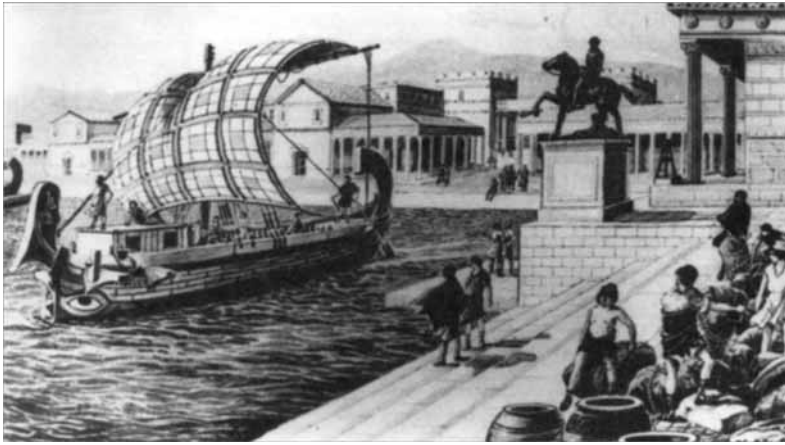
یونانی‌ها با فرهنگ‌تر از اتروسک‌ها بودند. رومیان، تحت فرمان فرمانروایان لاتینی و اتروسک، شدیداً تحت تأثیر فرهنگ یونانی بودند. تاجران یونانی آنان را با سیستم‌های ضرب سکه، وزن و اندازه‌گیری آشنا کردند؛ همچنین الفبا را نیز به آن‌ها آموختند، الفبایی که بخش اعظمش را از فنیقیان، قومی بازرگان در خاورمیانه، اخذ کرده بودند. این امر به رومیان امکان داد که زبان خویش را مکتوب کنند. همان‌گونه که مورخی به نام جیمز هنری برستد می‌گوید:



لنگرگاه زیر پل تیبر هر دم بیش‌تر و بیش‌تر با کشتی‌های شهرهای جنوبی یونان آشنا می‌شدند... تاجران رومی نیز یاد گرفته بودند که در سیاهه اجناس تاجران یونانی، نام اشیای معمول را بخوانند. اندکی بعد، تاجران رومی نیز نوشتن یادداشت‌های تجاری را آموختند و این کار را با همان حروف یونانی انجام می‌دادند؛ و از آن پس، این حروف با اندکی دخل و تصرف به اقتضای ضروریات زبان لاتین، به الفبای رومی بدل شد. (۱۵)

بر اساس افسانه‌ها، نوما پومپیلیوس، دومین پادشاه رم، در اصل یکی از اعضای قبیله سابین بود.





کشتی‌های تجاری آن‌چون این یکی با شهرهای یونانی در جنوب ایتالیا تجارت مداوم داشتند.

یونانیان همچنین بر مذهب رومیان نیز تأثیر گذاشتند. یونانیان خدایان بسیاری داشتند که رومیان آن‌ها را همتایان خدایان خویش می‌انگاشتند. برای مثال، رومیان رب‌النوع قدرتمند یونانی، زئوس، خدای آسمان‌ها، را با یوپیتر، رب‌النوع رومی آسمان، یکی می‌انگاشتند؛ هرا، همسر زئوس، نیز که ملکه خدایان یونانی بود، به الهه رومی یونو بدل شد. رومیان تحت تأثیر یونانیان، به بعضی از خدایانشان عظمت بیش‌تری بخشیدند. به این ترتیب، مارس، که با آرس، رب‌النوع یونانی جنگ، یکی گشت، به حامی رومی جنگجویان و محافظ مزارع بدل شد. پوسیدون، رب‌النوع یونانی



آرتمیس، الهه یونانی ماه و شکار، گردونه خویش را در آسمان هدایت می‌کند.

دریا، به نپتون، رب‌النوع رومی، بدل گشت؛ آفرودیت، الهه یونانی عشق، به ونوس بدل شد؛ و آرتمیس، الهه یونانی شکار، به دیانا تغییر نام یافت. رومیان همچنین خدایان کاملاً جدیدی را نیز از یونانیان به عاریت گرفتند، همچون آپولو، رب‌النوع خورشید، موسیقی و شفای بیماران.

## حفظ ارزش‌های دیرینه

در روزگار پادشاهان آغازین، رومیان همچنان اتروسک‌ها و یونانیان را صاحب فرهنگ‌هایی برتر می‌دانستند، فرهنگ‌هایی که به جای رقابت اقتصادی و نظامی با آنان، می‌بایست از آن‌ها تقلید می‌کردند. دلیل این امر آن بود که روم شهرکی کشاورزی بود که تنها بخشی از لاتیوم را تحت کنترل داشت. رومیان ناوگان تجاری نداشتند، بنابراین نمی‌توانستند با اقوام قدرتمندتر و مرفه‌تر شمالی و جنوبی رقابت مؤثری داشته باشند. جاده‌ها و بازارهای تجاری پرمنفعت غرب مدیترانه تحت تسلط اتروسک‌ها، یونانیان و فنیقیان بودند. تقریباً در همان زمانی که یونانیان ایتالیا و سیسیل را به مستعمرات خویش بدل ساختند، فنیقیان نیز در سیسیل و دیگر سواحل غرب مدیترانه مستعمراتی تأسیس کردند. یکی از مستعمرات فنیقیان به نام کارتاژ، واقع در ساحل شمال آفریقا در جنوب غربی سیسیل به سرعت به پر رونق‌ترین مرکز تجاری منطقه تبدیل شد.

در حیص و بیص کنترل جاده‌های تجاری توسط یونانیان، اتروسک‌ها و فنیقیان، رومیان به کار در مزارع و حفظ شیوه‌های سنتی زندگی‌شان بسنده کرده بودند. قرن‌ها بود که محور

اصلی زندگی ساده و عمل‌گرایانه آن‌ها، خانواده و جوامع کوچکشان با اندکی تجمل و تشریفات ناچیز بود. رومیان به‌رغم اخذ و دریافت بسیاری کالاها و ایده‌ها از اتروسک‌ها، یونانی‌ها و دیگران، ترجیح می‌دادند که تا حد ممکن رسم و روال دیرین خود را حفظ کنند. آن‌ها فقط آن بخش از ایده‌های بیگانگان را پذیرا بودند که به کار رفاه بیش‌تر زندگی و امنیت بیش‌تر خانواده‌هاشان بیاید. در



تاجران فنیقی در قایق‌های تندرویی چون این از تنگه جبل الطارق گذشتند و بر کرانه غربی آفریقا، شهرهایی تأسیس کردند.

### سازماندهی ارتش

یکی از آخرین پادشاهان روم به نام سرویوس تولیوس را رومیان آتی به دلیل تقسیم جامعه به طبقات متعدد به یاد سپردند. او این گروه‌ها را براساس دارایی‌هایشان طبقه‌بندی کرد. هر یک از این طبقات دارای حقوق اجتماعی و سیاسی خاصی بود، اما وظایف و اجازات خاصی نیز داشت، به خصوص در زمان جنگ. لیوی، مورخ رومی در تاریخ روم، یادآوری می‌کند که سرویوس تولیوس به ساختار ارتش نظام بخشید، سیستمی که روم با اندکی جرح و تعدیل، مدتی از آن استفاده کرد:

«او شیوه سرشماری را نهادینه ساخت، نهادی کاملاً سودمند در حوزه‌ای که در آینده به امپراتوری‌ای عظیم بدل می‌شد... او سپس براساس همین نهاد، طبقات و کنتوریاها (گروه‌هایی متشکل از صد مرد) را برشمرد و سپس آن‌ها را براساس مقتضیات دوران صلح و جنگ تقسیم کرد. کسانی که دارایی‌هایشان معادل - یا متجاوز از - صد هزار پوند مس بود به هشتاد کنتوریا تقسیم شدند... نام این گروه‌ها طبقه نخست بود... زرهی که آن‌ها می‌بایست برای خود تهیه می‌کردند شامل کلاهخود، سپری گرد، ساق‌بند [محافظ فلزی پا] و جوشن [زره انعطاف‌پذیر] و همه از جنس برنج بود... سلاح تهاجمی آنان نیز نیزه و شمشیر بود. دو گروه کنتوریا از نجاران نیز به این طبقه افزوده می‌شدند که وظیفه‌شان تدارک جنگ‌افزار بود. این گروه اخیر سلاح نداشتند. طبقه دوم کسانی بودند که دارایی‌هایشان بین ۷۵ تا صد هزار پوند مس بود... سلاح‌های معمول آن‌ها مشابه سلاح‌های طبقه نخست بود، جز این‌که آن‌ها به جای سپر گرد و برنجی گروه اول، سپری چوبی و مستطیلی شکل داشتند و صاحب جوشن نیز نبودند. طبقه سوم کسانی بودند که دارایی‌هایشان به پنجاه هزار پوند می‌رسید... تنها تفاوت آن‌ها این بود که ساق‌بند نمی‌بستند. در طبقه چهارم، دارایی‌های افراد از ۲۵ هزار پوند کم‌تر نبود... تنها سلاح آن‌ها یک نیزه سبک و نیزه‌ای بلند بود. طبقه پنجم... فلاخن و سنگ حمل می‌کردند و جزو نیروهای مازاد، شیپورزن و گُرنازن، که سه کنتوریا را شامل می‌شدند، بودند. طبقه پنجم یازده هزار پوند دارایی داشت. مابقی جمعیت که این حداقل دارایی را نیز نداشتند، در قالب یک کنتوریا سامان می‌یافتند و از خدمت در ارتش معاف می‌شدند.»

طول این قرون، رومیان ارزش‌های محافظه‌کارانه‌ای را که در خود و دیگران می‌ستودند، تثبیت و تقویت کردند. این ارزش‌ها شامل احساس وظیفه‌شناسی در برابر خانواده و جامعه، احترام به خدایان، نفرت از تجمل‌گرایی و بی‌بندوباری و رویکردی جدی و باشکوه نسبت به خویشتن و زندگی بود.

اما در عین حال که ارزش‌های رومی یکسان و ثابت باقی ماند، در پایان قرن ششم قبل از میلاد ایده‌های سیاسی رومیان دستخوش تغییری بنیادی شد. شهر رم تحت فرمانروایی اتروسک‌ها رفاه و ثروتی روزافزون یافت و برخی از پدران خانواده‌ها چون پادشاهان ثروتمند شدند. این طبقه جدید ملاکان ثروتمند، که پاتریسین نام داشتند، خواستار قدرت بیش‌تر در دولت بودند. در خلال همین مدت، مردم در چند شهر یونان پادشاهان خود را سرنگون و دولت‌هایی مردمی تأسیس کردند. این‌گونه مفاهیم سیاسی انقلابی مایه الهام رومیان و به خصوص پاتریسین‌ها شد. حدوداً در سال ۵۰۹ قبل از میلاد، رومیان پادشاه اتروسک خود را خلع و جمهوری تأسیس کردند، دولتی که توسط مقامات منتخب مردم اداره می‌شد. طبیعتاً رشد روم و تبدیل آن از روستایی دورافتاده بر تپیر به ارباب جهان‌شناخته شده آغاز شده بود.

## جمهوری روم: وحدت ایتالیا

وقتی رومیان در اواخر قرن ششم قبل از میلاد جمهوری خود را تأسیس کردند، روم دولت شهری کوچک بود که تنها بر بخش کوچکی از ایتالیا تسلط داشت. مساحت کل شهر و روستاها و مزارع پیرامونش تنها هزار کیلومتر مربع بود. کل جمعیت مستقر در رم نیز در آن زمان، با در نظر گرفتن بردگان، حدوداً ۲۶۰ هزار نفر بود. رومیان از تمامی جهات در حصار اقوام دیگر بودند. در شمال رود تیبر، اتروریا قرار داشت، که هنوز تحت استیلای اتروسک‌های قدرتمند بود؛ در جنوب و شرق روم نیز دیگر قبایل لاتینی بر بقایای لاتیوم مسلط بودند. در فراسوی مرزهای شرقی بر دامنه تپه‌های آپنن نیز قبایل بدوی و وحشی کوه‌نشین، شامل سابین‌ها، اومبریایی‌ها، ولسکی و آیکویی زندگی می‌کردند. دیگر قبیله



یکی از شهرهای اولیه روم در حصار دیوار دفاعی. این مستعمره یکی از مستعمرات بی‌شماری است که روم در قرن چهارم قبل از میلاد تأسیس کرد.

ایتالیایی، یعنی سامنیت‌های جنگ‌طلب، حوزه‌ای را که مستقیماً در جنوب لاتیموم قرار داشت در اختیار داشتند و یونانی‌ها نیز بر مناطق ساحلی جنوب ایتالیا مسلط بودند. در حصار این همه خصم، امکان بقای روم بسیار اندک بود، و احتمال توسعه قرین با موفقیت آن اندک‌تر. با این همه، ظرف مدتی کم‌تر از دو قرن، روم تمامی دشمنانش را شکست داد و کل خاک ایتالیا را مسخر خویش ساخت. رومیان این پیروزی چشمگیر را عمدتاً به دلیل سازماندهی و کارآیی بالایشان به کف آوردند، هم به لحاظ نظامی و هم از نظر سیاسی. جمهوری روم به تدریج به دولتی قدرتمند و انعطاف‌پذیر بدل شد که نیازهای اکثر مردمش را تأمین می‌کرد. همین امر در مردم حس غرور و وطن‌خواهی ریشه‌داری پدید آورد. رومیان به این باور رسیدند که نه تنها سیستم کشورداریشان برتر از همسایگانشان است، بلکه حتی توسعه روم و فتح و ظفرهای آن را نیز مُلهم از اراده خدایان محسوب کردند. کارآیی روم و این باور که رومیان بنا بر اراده خدایان، همواره فاتح و پیروزند باعث شد که روم در نخستین سال‌های تأسیس جمهوری، به نیرویی مهارناپذیر بدل شود.

### اعطای حق رأی به مردم

در سرنگونی پادشاهان اتروسک روم و تأسیس جمهوری، دو عامل عمده دخیل بود. اول این که رومیان همواره از سلطه اتروسک‌ها منزجر بودند. گرچه اتروسک‌ها روم را از یک روستای عقب افتاده، متشکل از کشاورزان ساده و کلبه‌های گلی به شهری پر رونق و تجاری با تاجران و صنعتگران و ساختمان‌های سنگی زیبا تبدیل کردند، رومیان همواره پادشاهان اتروسک را به دیده غاصبان بیگانه می‌نگریستند. آن‌ها آرزوی فرارسیدن روزی را داشتند که اتروسک‌ها را از سرزمین خود اخراج کنند و خود حکم برانند.

عامل دوم، اقتصادی بود. از قرن هفتم قبل از میلاد، گروهی از محترم‌ترین پدرسالارها یا پاتریسین‌ها برای بحث در مورد مشکلات جامعه متناوباً گرد هم جمع می‌آمدند. از آن‌جا که این اعضا را با عنوان کهتران یا سناتورها می‌شناختند، گروهشان نیز سنا نامیده شد. در آغاز، سناتورها قدرت حقیقی نداشتند و بیش‌تر به عنوان مشاور پادشاهان عمل می‌کردند. اما با رشد و موفقیت بعضی مزارع رومیان در قرن ششم قبل از میلاد، پاتریسین‌هایی که مالک آن‌ها بودند نیز به نحوی روزافزون ثروتمند و صاحب قدرت شدند. بسیاری از آنان به سناتورهای رگ‌گو و بی‌پروایی بدل شدند که بر بعضی از تصمیمات پادشاهان تأثیر مستقیم می‌گذاشتند. سرانجام، پاتریسین‌ها چنان قدرتمند و جسور شدند که کنترل حکومت را